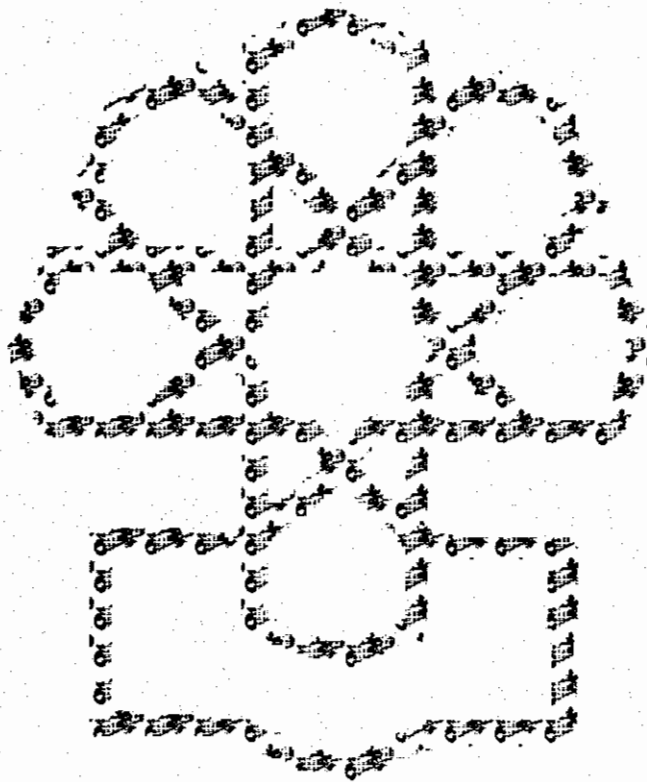


۱۹۷۸



جنگل، ریشه‌یابی مشکلات، رهیافت‌ها



کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

گروه صنعت و معدن

معاونت پژوهشی

آذر ۱۳۷۶

این مطالعه حسب تقاضای حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای
دری نجف آبادی انجام شده است

کد گزارش: ۲۵۰۱۹۷۸

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی ماری
شماره: ۷۱۱۴
تاریخ: ۷/۱۰/۷۲

بسمه تعالی

جنگل، ریشه‌یابی مشکلات، رهیافت‌ها

کد گزارش: ۲۵۰۱۹۷۸

فهرست مطالب

| | |
|----|---|
| ۲ | نکات برجسته |
| ۶ | مقدمه |
| ۶ | فصل اول: نظری بر تحولات قانونگذاری جنگل‌ها و مراتع، اهداف، سیاست‌ها و عملکرد قوانین |
| ۶ | ۱-۱- تحولات قانونگذاری جنگل‌ها و مراتع |
| ۸ | ۲-۱- هدف‌ها و سیاست‌های مربوط به جنگل‌ها و مراتع |
| ۸ | ۳-۱- عملکرد قوانین، هدف‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی |
| ۹ | فصل دوم: نظام‌های بهره‌برداری از جنگل |
| ۱۰ | ۱-۲- روند بهره‌برداری از جنگل در سطح جهان |
| ۱۲ | ۲-۲- بهره‌برداری و نظام بهره‌برداری از جنگل در شمال ایران |
| ۱۴ | ۳-۲- بهره‌برداری از جنگل |
| ۱۵ | فصل سوم: مشکلات و تخلف‌های موجود در امر بهره‌برداری از جنگل‌ها |
| ۱۸ | فصل چهارم: رهیافت |
| ۱۹ | منابع و مأخذ |

* جنگل به عنوان یکی از منابع تجدید شونده نقش مهمی در زندگی بشر داشته و اهمیت آن در حیات اقتصادی - اجتماعی، همواره مورد توجه بوده است و در سال‌های اخیر با بحث محوری «توسعه پایدار» مسئله حفاظت، احیا و بهره‌برداری بهینه و پایدار از جنگل به صورت جدی مطرح شده و الگوهای چند، مورد نظر قرار گرفته است.

* گرچه از زمان ملی کردن جنگل‌ها و مراتع، همیشه هدف‌هایی از قبیل «حفظ و احیا و بهره‌برداری اصولی و گسترش و غنای طبیعی منابع طبیعی تجدید شونده و برقراری تعادل اکوسیستم‌های گوناگون» مورد توجه بوده؛ ولی به علت بی‌اطلاعی از ابعاد کار و تغییر مکرر قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط، فقدان ضوابط قانونی لازم که مشخص‌کننده نقش دولت و مردم باشد، پراکندگی امور در واحدهای مختلف و ناشناخته ماندن جایگاه و اهمیت منابع طبیعی در مجامع تصمیم‌گیری، نتایج مطلوب به دست نیامده و روز به روز، روند تخریب گسترش یافته است.

* در سال ۱۳۴۱، جنگل‌ها و مراتع ملی شد و عرصه و اعیانی کلیه جنگل‌ها و مراتع و بیشه‌های طبیعی در اراضی جنگلی کشور، جزو اموال عمومی محسوب شد و به دولت تعلق گرفت. ضمن این که این اقدام مغایر با قانون اساسی بود، موجب ایجاد اختلاف بین بهره‌برداران و مالکان شد و این اقدام بدون توجه به وضع موجود و اعمال روش‌های غیرعلمی و غیرتخصصی خسارات جبران‌ناپذیری را به جنگل‌های کشور وارد کرد.

* در سال ۱۳۴۹، سطح وسیعی از جنگل‌های جلگه‌ای شمال به مردم غیرجنگل نشین واگذار شد تا آن را به مصرف فعالیت‌های کشاورزی و مسکونی برسانند. در نتیجه، فشار تخریبی وارده بر جنگل‌های شمال بیش از پیش شدت گرفت.

* پس از سال ۱۳۵۸ در سیاست واگذاری اجرای طرح‌های جنگلداری توسط مردم، تغییر حاصل شد و طرح‌هایی که به وسیله بخش خصوصی اجرا می‌گردید به بخش دولتی واگذار شد. این تغییر سیاست به شدت بر میزان تخریب افزود.

* در سال ۱۳۶۷، قانون «تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع» به تصویب رسید که به موجب آن مقرر شد یک مرجع قانونی مأمور رسیدگی به اختلافات باشد این مرجع هیئت مرکب از مسئول اداره کشاورزی، مسئول اداره جنگلداری، عضو جهادسازندگی، عضو هیئت واگذاری زمین، یک نفر قاضی و بر حسب مورد دو نفر از اعضای شورای اسلامی روستا با عشایر محل بود که در هر شهرستان زیر نظر وزارت کشاورزی

و با حضور حداقل ۵ نفر از ۷ نفر فوق رسمیت می یافت. این هیئت به عنوان تنها مرجع رسیدگی کننده تعیین شد که متأسفانه برخی از مراجع قضایی به این قانون توجه نکردند.

* در سال ۱۳۷۱، قانون «حفاظت و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که به موجب آن ماده ۵۶ قانون حفاظت، تحت عنوان ماده ۲ احیا شد و براساس آن تشخیص منابع ملی و مستثنیات ماده ۲ قانون ملی شدن جنگل ها و مراتع با رعایت تعاریف مذکور در قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع از وزارت کشاورزی اخذ و به عهده وزارت جهادسازندگی گذاشته شد، در حالی که ضروری بود ساز و کار تشخیص و عملیاتی که برای اجرای ماده ۵۶ انجام می شود مشخص، و به صورت عادلانه درآمده تا بدین طریق از ادامه بسیاری از زیان های دولت و ملت جلوگیری شود.

* در ۴۷ سال گذشته، از نه برنامه تدوین شده، هفت برنامه پس از تصویب - دو برنامه قبل از ملی شدن جنگل ها و مراتع و پنج برنامه پس از آن - به مرحله اجرا درآمده است.

* نگاهی کلی به پنج برنامه اجرا شده قبل از پیروزی انقلاب، نشان می دهد که در ابتدا حفاظت و توسعه ثروت ملی مانند جنگل ها توصیه شده و برنامه هایی به منظور جلوگیری از بهره برداری های غیراصولی و بی رویه از جنگل های کشور در نظر گرفته شده بود. سپس ملی کردن جنگل ها و مراتع صورت پذیرفته و اقدامات زیربنایی قبلی به حالت اعمال زور از طریق گارد جنگل و مرتع تبدیل شد. با وجود این، تخریب با شدت هرچه بیشتر ادامه یافت و در برنامه های بعدی نیز با وجود افزایش حجم فعالیت دولت و صرف اعتبار هنگفت تأثیر ملی شدن به حدی بود که حتی نیروی انتظامی قادر به جبران خسارت های وارده نبود.

* برنامه اول توسعه اقتصادی که اولین برنامه مصوب پس از پیروزی انقلاب اسلامی است، «حفظ، احیا و بهره برداری اصولی، گسترش و غنای منابع طبیعی تجدیدشونده، برقراری تعادل اکوسیستم های مختلف و ایجاد ارتباط آنان با محیط زیست» را مدنظر قرار داده بود. برنامه دوم توسعه اقتصادی «حفظ محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی کشور» را مورد توجه قرار داده است.

* ارزیابی برنامه اول توسعه به وسیله دستگاه اجرایی ذی ربط، نشان می دهد که با وجود آن که هدف ها و سیاست ها، واقع بینانه تنظیم شده و تا حدودی مناسب بوده، ولی به علل زیر موفقیت چشمگیری به دست نیامده است:

- عدم آگاهی مردم (به ویژه حاشیه نشینان جنگلی و دامداران سنتی)؛

- نبود انگیزه و امکانات لازم برای مردم و عدم احساس مسئولیت و متعلق به

خود و آیندگان ندانستن سرمایه های خدادادی و منابع طبیعی؛

- نبود مجوزهای قانونی کافی؛

- تأمین نشدن نهادهای اساسی؛

- هماهنگ نبودن واحدهای خدمت‌دهنده در بخش ذی‌ربط؛

- عدم حمایت کافی مجامع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور، از جایگاه و اهمیت منابع طبیعی.

- پایین بودن سطح آموزشی حاشیه‌نشینان جنگلی و دامداران سنتی و عدم ارتباط کافی مأموران با آنان.

- عدم اجرای مطلوب تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و فقدان وجدان کاری و حس دلسوزی در برخی از مأموران و همچنین حاشیه‌نشینان جنگلی و دامداران سنتی.

* مساحت جنگل‌های خزری در گذشته بالغ بر $3/4$ میلیون هکتار می‌شد که به علت بهره‌برداری بی‌رویه، تبدیل جنگل‌های جلگه‌ای به اراضی کشاورزی و چرای دام به تدریج سطح آن کاهش یافته و امروز، به $1/9$ میلیون هکتار رسیده است. از این مقدار $1/3$ میلیون هکتار آن تجارتمی و $0/6$ میلیون هکتار آن منخروبه می‌باشد.

* قریب به 100000 خانوار با حدود $4/5$ میلیون واحد دامی و در قالب 33000 واحد دامداری در این جنگل‌ها مستقر هستند که شغل اصلی و عمده آنها دامداری است. این افراد که طی سال‌هایتمادی و نسل اندر نسل در جنگل‌ها زیسته‌اند، قهراً به آب و خاک آن یک نوع دلبستگی پیدا کرده‌اند. شیوه معیشت جنگل‌نشینان عمدتاً بردامداری آزاد استوار است و همین شیوه بیشترین آسیب را به جنگل‌ها وارد آورده است و این در حالی است که دام‌های سنتی آنها برای خود آنها نیز در مجموع نفعی ندارد (نه به عنوان گوشتی و نه به عنوان شیری).

* بحران ارتباط منطقی و اصولی میان جنبه‌های اکولوژی، اجتماعی و اقتصادی و تعارضات نهان و آشکار سه جنبه اساسی جنگل‌ها از نظر اداره این منبع، ارتباط سطوح کلان و خرد مدیریتی را نیز به هم ریخته و از عواملی است که موجودیت جنگل‌های شمال را به مخاطره انداخته است.

* در طرح‌های جنگلداری که به روش سنتی در دست بهره‌برداری می‌باشند، عملیات تبدیل چوب در جنگل به وسیله اره‌های موتوری، توام با افت و ضایعات زیاد بوده و ضایعات به جا مانده به علت کمبود راه‌های ارتباطی مناسب و اقتصادی نبودن خروج این ضایعات و چوب‌های غیرصنعتی از جنگل، در عرصه باقی مانده و بعضاً تبدیل به زغال می‌شوند. این طریقه موجب از دست رفتن مقدار قابل ملاحظه‌ای از مواد اولیه مورد نیاز صنایع کشور شده و علاوه بر این امر تجدید حیات جنگل را با اشکال مواجه می‌نماید.

* سابقاً مجریان طرح‌های واگذار شده به جای درختان برگ پهن قطع شده،

درختان سوزنی برگ غرس نموده که این درختان مشکلات خاص خود را ایجاد می‌کردند. اخیراً کاشت درختان سوزنی برگ به طور یک‌دست صورت پذیرفته بلکه در پاره‌ای از نقاط بین ۱۵ تا ۲۰ درصد و به صورت پراکنده انجام می‌شود. از سوی دیگر تنها کاشت و غرس نهال در طرح‌های احیای جنگل‌ها شرط نیست بلکه شرط لازم و کافی کاشت و داشت است. در طرح‌های احیا شده نهال‌های کاشته شده در انبوهی از علف‌های هرز به خصوص تمشک و دیگر گونه‌های مزاحم محاصره و پنهان و در نهایت خفه می‌شوند. وجین و تراش علف‌های هرز و مزاحم امری ضروری است.

* نظارت بر امر استحصال و نحوه بهره‌برداری توسط ناظران صورت می‌پذیرد. با توجه به این که هر چند طرح یک ناظر داشته و فوق‌العاده شغل ناظر توسط مجری طرح پرداخت می‌شود موجب می‌شود که تخلفات صورت پذیرفته توسط مجریان یا از دید ناظر مخفی بماند و یا در برخی موارد از آن چشم‌پوشی کند. * در خصوص احیای جنگل‌ها و جلوگیری از تخریب بی‌رویه آنها، به فرهنگ جنگل‌نشینان و مشارکت آنها در این امر توجه کافی نشده و مسائل و مشکلات آنها در نظر گرفته نشده است.

* در برنامه دوم توسعه، میزان عملیات سالانه جنگل‌کاری ۲۲/۲ درصد میزان متوسط تخریب سالانه آن پیش‌بینی شده که موجب ادامه روند تخریب خواهد شد.

* آمار نشان می‌دهد که به طور متوسط ۶۱ درصد از کل تولید فراورده‌های چوبی در کشور به تولید هیزم و زغال (مصارف سوختی) اختصاص یافته، که نشان‌دهنده حجم بالای اتلاف این منبع خدادادی در کشور می‌باشد و این در حالی است که در کشور ما توان بالقوه‌ای در زمینه جایگزینی انرژی‌های دیگر به جای چوب‌های سوختی وجود دارد.

* بهره‌برداری از جنگل در ایران نظام خاصی نداشته و دارای نارسایی‌های عدیده‌ای است.

* مطابق قانون، واگذاری طرح‌های استحصال و بهره‌برداری از جنگل‌ها باید از طریق مزایده صورت پذیرد. یکی از مشکلات عمده در امر واگذاری، جایگزینی روابط به جای ضوابط و در برخی موارد بذل و بخشش‌های بی‌حد و حصر منابع طبیعی می‌باشد.

* باید به دو عامل آموزش‌های ترویجی در زمینه بازسازی و احیای جنگل و اشتغال جنگل‌نشینان در راستای دستیابی به درآمد مکفی، به عنوان عوامل اصلی در گرایش جنگل‌نشینان به بازسازی و احیای جنگل‌ها، توجه بیشتری نمود.

جنگل یکی از منابع مهم معیشت زندگی بشر است و اهمیت آن در حیات اقتصادی - اجتماعی همواره مورد توجه بوده است و در سال‌های اخیر بابت محوری «توسعه پایدار» مسئله حفاظت، احیا و بهره‌برداری بهینه و پایدار از جنگل به صورت جدی‌تر مطرح شده و الگوهای چند، مورد نظر قرار گرفته است. جنگل‌های ایران از قدیم با وسعتی نزدیک به ۲۰ میلیون هکتار محل زندگی و امرار معاش جوامع شهری، روستایی، عشایری و جنگل نشین بوده است که به مرور زمان و با توجه به افزایش دائمی جمعیت، به خصوص در قرن اخیر، نیاز به برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری اصولی از این ذخیره ارزشمند بیشتر احساس می‌شود.

در حال حاضر این منابع به یک پنجم کاهش یافته است و به رغم این که بیش از سه دهه از ملی کردن جنگل‌ها می‌گذرد و در طول این سال‌ها سعی شده که سیاست‌های جنگلداری همراه با برنامه‌ریزی باشد، مع الاسف سیاست‌های اتخاذ شده تأثیر چندانی در جلوگیری از استمرار این روند نداشته است. دلیل شکست سیاست‌ها را باید، عدم هماهنگی و سازش نسبی بین نیازهای جوامع محلی، ملی و نگهداری و تولید جنگل برای نسل کنونی و حفظ منابع آیندگان دانست که به مسائل اجتماعی - اقتصادی جمعیت جنگل نشین و روستایی توجه کافی نشده است.

گزارش حاضر ضمن نگاهی به تحولات قانونگذاری در امر جنگل‌ها و مراتع، مشکلات موجود، نحوه واگذاری جنگل‌ها جهت بهره‌برداری و استحصال چوب از آنها، میزان تخریب و احیای جنگل‌ها را بررسی می‌نماید.

فصل اول: نظری بر تحولات قانونگذاری جنگل‌ها و مراتع، اهداف، سیاست‌ها و عملکرد قوانین

۱-۱- تحولات قانونگذاری جنگل‌ها و مراتع

گرچه از زمان ملی کردن جنگل‌ها و مراتع، همیشه هدف‌هایی از قبیل «حفظ و احیا و بهره‌برداری اصولی و گسترش و غنای طبیعی منابع طبیعی تجدید شونده و برقراری تعادل اکوسیستم‌های گوناگون» مورد توجه بوده؛ ولی به علت بی‌اطلاعی از ابعاد کار و تغییر مکرر قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط، فقدان ضوابط قانونی لازم که مشخص کننده نقش دولت و مردم باشد، پراکندگی امور در واحدهای مختلف و ناشناخته ماندن جایگاه و اهمیت منابع طبیعی در مجامع تصمیم‌گیری، نتایج مطلوب به دست نیامده و روز به روز روند تخریب، گسترش بیشتری یافته است. در این فصل به تحولات قانونگذاری جنگل‌ها و مراتع در کشور خواهیم پرداخت.

قبل از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع، برای نخستین بار در سال ۱۳۲۱، قانونی در این زمینه به تصویب مجلس شورای ملی رسید که در ماده ۴ آن به صراحت سهام دولت و ملت به رسمیت شناخته شد. بهره‌برداری از جنگل‌ها به اعمال اصول علمی و فنی موقوف و نظارت و مراقبت در حسن اجرای این قانون به عهده سازمان جنگل‌ها گذاشته شد.

در سال ۱۳۴۱ به دنبال ملی شدن جنگل‌ها و مراتع، عرصه و اعیانی کلیه جنگل‌ها و مراتع و بیشه‌های طبیعی

در اراضی جنگلی کشور، جزو اموال عمومی محسوب شد و به دولت تعلق گرفت. صرف نظر از آن که این اقدام مغایر با قانون اساسی قبل بود، مالکیت خصوصی بر روی جنگل‌ها در اختیار دولت قرار گرفت. بر اساس این ماده قانون، در ظاهر مالکیت دولت بر منابع به صورت قانونی رسمیت یافت، در صورتی که هیچ‌گونه اعمال مالکیت رسمی و عینی به وجود نیامد. مرتع‌داران و بهره‌برداران، در عرصه‌های مورد تصرف خود حضور داشتند و مدیریت مطلوبی که در مراتع اعمال می‌شد، دستخوش تغییر قرار گرفت و تضادی عینی و ظاهری میان مستأجران مراتع و بهره‌برداران ایجاد شد و سبب بروز اختلاف‌های بسیاری بین بهره‌برداران و مالکان گردید؛ در حالی که اگر تفکری منطقی به کار رفته بود، به خوبی می‌شد پیوند مجددی میان انسان با محیط طبیعی برقرار کرد که نه تنها منابع حفظ شوند، بلکه پیوسته میزان بهره‌وری آنها نیز افزایش یابد.

بی‌توجهی به وضع موجود و اعمال روش‌های غیر علمی و غیر تخصصی به علت ملی کردن صرف، کشور را دچار مسائل غیر قابل جبرانی نمود؛ زیرا در روش‌های متداول بدون اندازه‌گیری و مشخص کردن حقوق افراد، به ذکر عبارت‌هایی از قبیل: «از این کوه به آن کوه ملی است» یا «به طور منطقه‌ای ملی می‌شود» با زیر پا گذاشتن قوانین و مقررات ثبتی اکتفا شد. عملکرد دولت در این مورد آنچنان بود که ناگزیر قانون در چهار نوبت با هدف جبران خسارت وارده به مردم اصلاح گردید. این کار صرفاً برای آشتی مردم با دولت انجام می‌شد، ولی نتیجه مطلوب به دست نیامد و خسارت چشمگیری به جنگل‌ها و مراتع وارد شد.

تعیین کاربری اراضی از جامع‌نگری و سیاست‌های هماهنگ و منسجم، با توجه به نقش اکولوژیک جنگل‌ها و مراتع، برخوردار نبود. در حالی که می‌بایست دیدگاه‌های زیست محیطی در کلیه تناسب‌های مرتبط با محیط طبیعی و هماهنگی آنها با ضرورت حفظ، احیا و توسعه منابع تجدید شونده، اعمال می‌شد. اگر مرز جنگل، مرتع و اراضی دیم و آبی روستاها بر روی نقشه و زمین مشخص می‌شد قطعاً از تبدیل بی‌رویه منابع طبیعی جلوگیری به عمل می‌آمد.

قوانین و مقررات جنگل‌ها و مراتع دارای ابهام‌ها و نارسایی‌هایی است که به میزان زیادی موجب تضییع وقت مراجع قضایی نیز شده است^۱ و کار دستگاه فنی ذی‌ربط که باید به توسعه و احیای منابع طبیعی منحصر باشد، برای مقابله با مردم صرف می‌شود، به عبارت دیگر عدم تعریف مشخصی از جنگل‌ها و مراتع یا جایگزینی مراتع مشجر به جای جنگل یا مرتع، خود معضلی است که باید هر چه زودتر برای آن تعیین تکلیف شود.

در سال ۱۳۴۹، انحرافی جدی در زمینه ملی شدن منابع طبیعی به وجود آمد، سطح وسیعی از جنگل‌های جلگه‌ای شمال به مردم غیر جنگل نشین واگذار شد تا آن رابه مصرف فعالیت‌های کشاورزی و مسکونی برسانند. در نتیجه، فشار تخریبی وارده بر جنگل‌های شمال بیش از پیش شدت گرفت.

طی سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۴ مشکلات قانونی بررسی شد و قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع و اصلاحیه‌های اول، دوم و سوم آن به تصویب رسید. این تغییر موضع، خود گویای نابسامانی‌های زیادی است که قانون ملی شدن به وجود آورده بود. اتکا به افزایش قدرت تولیدی منابع طبیعی محدود در آینده، به جای بهره‌برداری هرچه سریع‌تر از این منابع مورد توجه قرار گرفت. توجه به تجارب گذشته موجب شد که

۱. مقایسه دعاوی مطرح شده در محاکم قضایی توسط دولت در دوره قبل و بعد از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع حاکی از نابسامانی زیادی است که قانون و آیین‌نامه اجرایی در جامعه به وجود آورده است. تعداد موارد در سال ۱۳۳۶ بالغ بر ۶۱۳ و در سال ۱۳۳۷ حدود ۳۸۰ مورد و در سال ۱۳۴۴ بیش از ۱۸۰ هزار مورد بوده است که متقابلاً تخریب نیز روز به روز بیشتر شده است.

دولت تغییر موضع داده، روش‌هایی را در قانون برای جبران خسارت به تصویب رسانده، به مرحله اجرا درآورد.

پس از سال ۱۳۵۸ در سیاست واگذاری-اجرای طرح‌های جنگلداری توسط مردم، تغییری حاصل شد و طرح‌هایی که به وسیله بخش خصوصی اجرامی شد به بخش دولتی واگذار شد. این تغییر سیاست به شدت بر میزان تخریب افزود.

درگیری‌های زیادی که در این زمینه وجود داشت، شورای نگهبان را بر آن داشت که در ماده ۵۵ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع تجدید نظر کند و مقرر دارد افرادی که قبل از انقلاب اقدام به احیای این منابع نموده‌اند، مشمول ماده ۵۵ نخواهند بود. در سال دوم از دوره دوم مجلس شورای اسلامی، به علت گرفتاری‌های روزافزون مردم، نمایندگان مجلس طرحی را در این زمینه تهیه و ارائه کردند که به تصویب نرسید. دامنه مشکلات موجود و انعکاس شکایت‌های متعدد به دیوان عدالت اداری، مسئولان را بر آن داشت که در سال ۱۳۶۷، قانون دیگری را تحت عنوان «تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع»، به تصویب برسانند که به موجب آن مقرر شد مرجعی، مأمور رسیدگی به اختلافات باشد. براساس تبصره ۵ این قانون متن قانون به شرح زیر است:

ماده واحده- زارعین صاحب اراضی نسقی و مالکین و صاحبان باغات و تأسیسات خارج از محدوده قانونی شهرها و حریم‌روستاها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی که به اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن اعتراض داشته باشند می‌توانند به هیئت مرکب از:

۱- مسئول اداره کشاورزی؛

۲- مسئول اداره جنگلداری؛

۳- عضو جهاد سازندگی؛

۴- عضو هیئت واگذاری زمین؛

۵- یک نفر قاضی؛

۶- بر حسب مورد دو نفر از اعضای شورای اسلامی روستا یا عشایر محل مربوط.

مراجعه نمایند. این هیئت در هر شهرستان زیر نظر وزارت کشاورزی و با حضور حداقل ۵ نفر از ۷ نفر رسمیت یافته و پس از اعلام نظر کارشناسی هیئت، رأی قاضی لازم‌الاجرا خواهد بود مگر در موارد سه‌گانه شرعی مذکور در مواد ۲۸۴ و ۲۸۴ مکرر (آیین دادرسی کیفری). این هیئت به عنوان تنها مرجع رسیدگی‌کننده تعیین شد که متأسفانه بعضی از مراجع قضایی به این قانون توجه نکردند. اکنون که مراجع تصمیم‌گیری در این مورد فراوان هستند قانون با وجود صراحت کامل، آن‌طور که باید اجرایی نمی‌شود.

در پانزدهم مهرماه سال ۱۳۷۱، قانون دیگری تحت عنوان «قانون حفاظت و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی» به تصویب رسید که طی آن ضمن حل برخی از مشکلات موجود، مجدداً «ماده ۵۶» قانون حفاظت، تحت عنوان ماده ۲ احیا شد، درحالی‌که ضروری بود مکانیزم تشخیص و عملیاتی که برای اجرای ماده ۵۶ انجام می‌شود مشخص، و به صورت عادلانه درآمده تا بدین طریق از ادامه بسیاری از زیان‌های دولت و ملت جلوگیری شود. متن قانون به شرح زیر است:

تشخیص منابع ملی و مستثنیات ماده ۲ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع با رعایت تعاریف مذکور در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با وزارت جهادسازندگی است که شش ماه پس از اختتام

کتبی یا آگهی به وسیله روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز و یکی از روزنامه‌های محلی و سایر وسایل معمول و مناسب محلی، ادارات ثبت موظفانند پس از انقضای مهلت مقرر در صورت نبودن معترض حسب اعلام وزارت جهادسازندگی نسبت به صدور سند مالکیت به نام دولت جمهوری اسلامی ایران اقدام نمایند. سازمان جنگل‌ها و مراتع لایحه‌ای قانونی تحت عنوان «لایحه قانونی اصلاح قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع» را در سال ۱۳۷۳ تدوین نمود که پس از تصویب هیئت دولت به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی نرسید.

۱-۲- هدف‌ها و سیاست‌های مربوط به جنگل‌ها و مراتع

در چهل و هفت سال گذشته، از ۹ برنامه تدوین شده، ۷ برنامه پس از تصویب- ۲ برنامه قبل از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع و ۵ برنامه پس از آن- به مرحله اجرا درآمده است. نگاهی کلی به پنج برنامه اجرا شده قبل از پیروزی انقلاب، نشان دهنده آن است که در ابتدا حفاظت و توسعه ثروت‌های ملی مانند جنگل‌ها توصیه شده و برنامه‌هایی به منظور جلوگیری از بهره‌برداری‌های غیر اصولی و بی‌رویه از جنگل‌های کشور در نظر گرفته شده بود. سپس ملی کردن جنگل‌ها و مراتع صورت پذیرفته و اقدامات زیربنایی قبلی به حالت اعمال زور از طریق گارد جنگل و مرتع تبدیل شد و با وجود این، تخریب‌ها شدت هر چه بیشتر ادامه یافت و در برنامه‌های بعدی نیز با وجود افزایش حجم فعالیت دولت و صرف اعتبارات هنگفت تأثیر ملی شدن به حدی بود که حتی نیروی انتظامی قادر به جبران خسارت‌های وارده نبود.

اولین برنامه پس از پیروزی انقلاب به وسیله کارشناسان و مسئولان تهیه شد و به تصویب هیئت دولت رسید، ولی مجلس شورای اسلامی آن را تصویب نکرد. برنامه اول توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی کشور اولین برنامه مصوب پس از پیروزی انقلاب می‌باشد که در آن هدف کلی منابع طبیعی عبارت بود از: «حفظ، احیا و بهره‌برداری اصولی، گسترش و غنای منابع طبیعی تجدیدشونده، برقراری تعادل اکوسیستم‌های مختلف و ایجاد ارتباط آنان با محیط زیست».

سیاست‌های مورد نظر عبارت بودند از:

- واگذاری منابع طبیعی به بهره‌برداران غیر دولتی؛
 - سازماندهی اقتصادی و اجتماعی روستاهای درون جنگل و حاشیه آن؛
 - استقرار صنایع چوب، متناسب با امکانات برداشت در حاشیه جنگل‌ها به وسیله بخش غیردولتی؛
 - حذف دام‌مازاد بر ظرفیت مراتع و کنترل چرای دام در حد تعادل و برقراری نظام متناسب مرتع‌داری؛
 - ایجاد تسهیلات در زمینه‌های مناسب برای افزایش سرمایه‌گذاری غیردولتی در مراتع طبیعی تجدید شونده و شرکت مردم در بهره‌برداری اصولی از این منابع؛
 - برقراری ارتباطی منظم، میان مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشور با مراکز اجرایی برای توسعه منابع طبیعی.
- برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نیز به منظور حفظ محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی کشور سیاست‌های زیر را مدنظر قرار داده است:
- تأکید بر حفظ، احیا، توسعه و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی؛
 - حفظ و احیای منابع طبیعی تجدید شونده، حفظ گونه‌های گیاهی کمیاب؛
 - جلوگیری از بیابان‌زایی و کوشش در جهت کویزدایی، جلوگیری از فرسایش و آلودگی خاک، آلودگی هوا،

آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی و محیط زیست دریایی، جلوگیری از تخریب و انهدام زیستگاه‌های حیات وحش کشور و نیز استفاده مناسب از منابع کانی کشور با ملحوظ نمودن ضوابط زیست محیطی.

۱-۳- عملکرد قوانین، هدف‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی

عملکرد قوانین و برنامه‌های گذشته (قبل از انقلاب) در برنامه پنجم مورد ارزیابی قرار گرفته و در این مورد آمده است: «سطح وسیعی از جنگل‌ها در اثر بهره‌برداری نامتعادل تخریب شده است». با توجه به چنین وضعی، برای اولین بار پس از تصویب قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع و چهار بار تغییر در قانون، دولت متوجه شد که رأساً نمی‌تواند مسئله را حل کند و باید مشارکت مردم را بطلبد بنابراین در برنامه پنجم مشارکت هر چه بیشتر، مردم را در حفظ، احیا و توسعه منابع طبیعی خواستار شد.

پس از پیروزی انقلاب، در ضمن تهیه اولین برنامه، طراحان و برنامه‌ریزان به ارزیابی عملکرد گذشته قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع پرداخته و در مورد جنگل‌ها نتیجه زیر را اعلام کردند:

«قوانین و سیاست‌های گذشته در زمینه منابع طبیعی، موجب تخریب و تبدیل جنگل‌ها و مراتع، کاهش سطح منابع و در نتیجه تولیدات آنها شد؛ به طوری که از ۳/۴ میلیون هکتار جنگل‌های شمال در سال ۱۳۴۲، حدود ۱/۹ میلیون هکتار باقی ماند، که از این مقدار، ۱/۳ میلیون هکتار آن، جنگل‌های تجارتي و بقیه جنگل‌های حمایتی و حفاظتی است. با توجه به تولید مستمر سالانه ۳ متر مکعب چوب در هر هکتار از این جنگل‌ها، معلوم می‌شود که امکانات بالقوه، در تهیه مستمر حدود ۵ میلیون متر مکعب چوب در سال از دست رفته است».

ارزیابی برنامه اول توسعه به وسیله دستگاه اجرایی ذی‌ربط، نشان می‌دهد که با وجود آن که هدف‌ها و سیاست‌ها، واقع بینانه تنظیم شده و تا حدودی مناسب بوده، ولی به علل زیر موفقیت چشمگیری به دست نیامده است:

- عدم آگاهی مردم (به ویژه حاشیه‌نشینان جنگلی و دامداران سنتی)؛
 - نبود انگیزه و امکانات لازم برای مردم و عدم احساس مسئولیت و متعلق به خود و آیندگان ندانستن سرمایه‌های خدادادی و منابع طبیعی؛
 - پایین بودن سطح آموزش حاشیه‌نشینان جنگلی و دامداران سنتی و عدم ارتباط کافی مأموران با آنان؛
 - عدم اجرای مطلوب تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و فقدان وجدان کاری و حس دلسوزی در برخی از مأموران و همچنین حاشیه‌نشینان جنگلی و دامداران سنتی؛
 - نبود مجوزهای قانونی کافی؛
 - تأمین نشدن نهادهای اساسی؛
 - هماهنگ نبودن واحدهای خدمت دهنده در بخش‌های ذی‌ربط؛
 - عدم حمایت کافی مجامع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور، از جایگاه و اهمیت منابع طبیعی.
- از سوی دیگر، سیر تغییرات ساختار اداری منابع طبیعی، خود گویای آن است که هنوز جایگاه مشخصی برای این بخش شناخته نشده است.
- از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۷۰، شش بار ساختار اداری سازمان جنگل‌ها و مراتع و وابستگی آن به یک وزارتخانه یا وزارتخانه دیگر تغییر یافته است. برخورد ضعیف از نقطه نظر اجرای قوانین و سیاست‌های جنگل‌داری و مرتع‌داری، مانع از اعمال مدیریت صحیح بوده است.

بهره‌برداری و مصرف مواد حاصله از منابع غیر قابل تجدید و تبدیل آنها به کالاهای مصرفی مورد نیاز جامعه توسط کارخانه‌ها، در نهایت این صنایع را با کمبود مواد اولیه مواجه خواهد نمود. در این میان صنایعی که مواد اولیه آنها از منابع قابل تجدید طبیعت به دست می‌آید، می‌توانند به حیات خود ادامه دهند. جنگل به عنوان یک منبع تجدید پذیر از نقش مهم و کلیدی برخوردار است و در حقیقت سطح پیشرفت یک جامعه یا کشور با نحوه برخورد آن جامعه با درخت و جنگل مشخص می‌شود. از آنجا که تنها منبع تولیدات چوب کشور، جنگل‌های واقع در نوار باریکی از شمال کشور بوده و سایر جنگل‌ها حفاظتی می‌باشد، در این فصل نظام بهره‌برداری از جنگل را بررسی کرده و به مشکلات موجود در این زمینه نیز پرداخته می‌شود.

۱-۲- روند بهره‌برداری از جنگل در سطح جهان

قریب به دو دهه از زمانی که نمایندگان حکومت‌ها، از گوشه و کنار برای شرکت در کنفرانس سازمان ملل در مورد بیابان‌زایی گرد آمدند، می‌گذرد. این کنفرانس که در سال ۱۹۷۷ در «نایروبی» پایتخت کنیا برگزار شد، بعد از خشکسالی و برانگیزی بود که قسمت اعظم آفریقای غربی و شمال مرکز آفریقا را از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۳ در نوردیده بود.

طبق ارزیابی سال ۱۹۸۴ یونپ ۴/۵ میلیارد هکتار یعنی معادل ۳۵ درصد از کل سطح خشکی زمین در معرض خطر بیابان‌زایی قرار دارد. حدود یک پنجم افراد بشر معاش خود را از این زمین‌ها تأمین می‌کنند و در حال حاضر سه چهارم کل این زمین‌ها تا حدودی دچار تخریب شده‌اند و یک سوم کل این زمین‌ها نیز بیش از ۲۵ درصد از نیروی باروری خود را از دست داده‌اند.

آنچه که در ورای این ارقام جلوه می‌کند، انحطاط رابطه مردم با زمین و منابع طبیعی است و در نهایت این خود مردم هستند که قربانی عمل ناآگاهانه خود خواهند شد. تخریب زمین چند عامل عمده دارد که از بین رفتن جنگل‌ها مهم‌ترین عامل آن می‌باشد.

طی دهه گذشته، سطح جنگل‌های مناطق حاره از ۱/۹ میلیون به ۱/۷ میلیون هکتار کاهش یافته است. میزان این کاهش سالانه بالغ بر ۱۷ میلیون هکتار می‌شود. کل منابع جنگلی مناطق غیر حاره در حوزه مدیترانه شامل شمال آفریقا و کشورهای خاور نزدیک به ترتیب ۵,۶۵۵,۰۰۰ و ۳,۳۳۹,۰۰۰ هکتار می‌باشد که برابر ۰/۸ درصد سطح کل منطقه است. میزان تخریب این جنگل‌ها بین سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۱ سالانه ۱/۱ درصد یا ۱۱۴۴۰۰ هکتار بوده است که بیش از مناطق حاره (۰/۸ درصد) در زمان مشابه بوده است.

کاهش سطح جنگل‌ها در این ناحیه ناشی از مسائل عدیده‌ای، از جمله ۳ درصد رشد سالانه جمعیت بین سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۱ بوده است. به عامل فوق باید مسئله چرای دام در جنگل‌ها و افزایش مصرف چوب را نیز افزود. از سوی دیگر، برداشت از جنگل‌ها در این منطقه دو تا سه برابر میزان تولید بیولوژیک آن می‌باشد. روند تولید گرده بینه در سطح جهان نشان‌دهنده آن است که کشورهای توسعه یافته ضمن تولید ۸۲/۶ درصد چوب گرد صنعتی نسبت به کل تولیداتشان، غالباً نرخ رشد تولید خود را ثابت نگه داشته و حتی برخی نیز تولید خود را کاهش داده‌اند. اما کشورهای در حال توسعه ۷۹ درصد از تولیداتشان را برای سوخت و تولید زغال چوب به کار می‌برند.

بالا بردن تولید چوب گرد صنعتی در کشورهای توسعه یافته رami توان مستقیماً ناشی از پیشرفت تکنولوژی و فرهنگ این کشورها و نیز جایگزینی انرژی‌های دیگر به جای چوب‌های سوختی دانست. از سوی دیگر، افزایش نرخ رشد تولید چوب در کشورهای در حال توسعه، نشان‌دهنده پیشرفت این کشورها نیست و با توجه به عدم دستیابی به تکنولوژی‌های کشورهای توسعه یافته چیزی جز برکندن جنگل‌ها و از دست دادن این منابع خدادادی را به دنبال نخواهد داشت.

در جدول شماره (۱) میزان تولید فرآورده‌های چوبی در حوزه ادارات کل منابع طبیعی مناطق شمال کشور در سال‌های ۱۳۶۰، ۱۳۶۵ و طی سال‌های ۷۳-۱۳۶۹ (برنامه اول توسعه) ارائه شده است:

جدول شماره ۱- میزان تولید فراورده‌های چوبی در حوزه ادارات کل منابع طبیعی مناطق شمال کشور

(هزار متر مکعب)

| کل تولید | زغال | | هیزم | | تیری و تونلی و لارده و کاتین | | چوب‌های الواری | | گرده بینه | | | | سال |
|----------|-------------------------|-------------|-------------------------|-------------|------------------------------|-------------|-------------------------|-------------|------------------|-------|-----------|-------|------|
| | نسبت به کل تولید (درصد) | میزان تولید | نسبت به کل تولید (درصد) | میزان تولید | نسبت به کل تولید (درصد) | میزان تولید | نسبت به کل تولید (درصد) | میزان تولید | درصد به کل تولید | جمع | غیر روکشی | روکشی | |
| ۱۱۷۵/۳ | ۴۰/۵ | ۴۷۷ | ۲۱/۱ | ۲۴۸ | ۹/۳ | ۱۰۹/۶ | ۲۳/۳ | ۲۷۴/۵ | ۵/۶ | ۶۶/۲ | ۵۹/۶ | ۶/۶ | ۱۳۶۰ |
| ۱۲۵۸/۵ | ۳۳/۷ | ۴۲۴/۵ | ۳۰ | ۳۷۷/۶ | ۷/۵ | ۹۴/۵ | ۱۵/۵ | ۱۹۴/۹ | ۱۳/۳ | ۱۶۷ | ۱۵۰/۳ | ۱۶/۷ | ۱۳۶۵ |
| ۱۳۸۶/۵ | ۱۶/۳ | ۲۲۵/۶ | ۳۶/۱ | ۵۰۰/۵ | ۱۶/۲ | ۲۲۴/۴ | ۱۲/۲ | ۱۶۹ | ۱۹/۲ | ۲۶۷ | ۲۴۱ | ۲۶ | ۱۳۶۹ |
| ۱۶۶۸/۴ | ۱۳/۲ | ۲۱۹/۷ | ۴۳ | ۷۱۸/۸ | ۱۴/۲ | ۲۳۷/۲ | ۱۰/۳ | ۱۷۲/۷ | ۱۹/۲ | ۳۲۰ | ۲۹۰ | ۳۰ | ۱۳۷۰ |
| ۱۵۸۷/۱ | ۱۳/۳ | ۲۱۱/۴ | ۴۰ | ۶۳۵ | ۱۴/۵ | ۲۳۰ | ۱۱/۸ | ۱۸۶/۸ | ۲۰/۴ | ۳۲۳/۹ | ۲۹۳/۹ | ۳۰ | ۱۳۷۱ |
| ۱۷۲۲/۸ | ۱۳/۱ | ۲۲۶/۳ | ۳۸ | ۶۵۴/۱ | ۱۵/۱ | ۲۶۰/۳ | ۹/۹ | ۱۷۰/۲ | ۲۳/۹ | ۴۱۱/۹ | ۳۸۴/۴ | ۲۷/۵ | ۱۳۷۲ |
| ۱۷۶۰/۲ | ۱۱/۹ | ۲۰۹/۷ | ۴۱/۲ | ۷۲۵/۱ | ۱۴/۳ | ۲۵۱/۹ | ۱۰/۱ | ۱۷۷/۷ | ۲۲/۵ | ۳۹۵/۸ | ۳۳۶/۴ | ۵۹/۴ | ۱۳۷۳ |

مأخذ: سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور دفتر طرح و برنامه و بودجه

همان گونه که در جدول شماره ۱ دیده می شود تا سال ۱۳۷۲ به طور متوسط ۶۲ درصد از کل تولید فراورده های چوبی در کشور به تولید هیزم و زغال اختصاص یافته که این رقم در سال ۱۳۷۳ به ۵۳ درصد رسیده است و این خود نشان دهنده حجم بالای اتلاف این منبع خدادادی در کشور می باشد و این در حالی است که در کشور ما توانایی بالقوه ای در زمینه جایگزینی انرژی های دیگر به جای چوب های سوختی وجود دارد.

در جدول شماره ۲ حجم تعیین شده برای قطع درختان جنگلی بر اساس پروانه های قطع صادر شده در ادارات کل منابع طبیعی شمال کشور که تنها منبع تولید چوب های صنعتی در کشور می باشد ارائه شده است:

جدول شماره ۲- حجم تعیین شده برای قطع درختان جنگلی بر اساس پروانه های قطع صادر شده در ادارات کل منابع طبیعی شمال کشور

(هزار متر مکعب)

| سال | جمع | در طرح های جنگلداری | خارج از طرح های جنگلداری |
|------|------|---------------------|--------------------------|
| ۱۳۵۵ | ۱۴۸۸ | ۱۰۹۲ | ۳۹۶ |
| ۱۳۶۰ | ۱۳۷۷ | ۸۲۵ | ۵۵۲ |
| ۱۳۶۵ | ۱۶۳۸ | ۱۲۱۴ | ۴۲۴ |
| ۱۳۶۹ | ۲۰۷۲ | ۱۷۲۴ | ۳۴۸ |
| ۱۳۷۰ | ۲۲۶۱ | ۱۸۲۲ | ۴۳۹ |
| ۱۳۷۱ | ۲۰۵۶ | ۱۷۵۳ | ۳۰۳ |
| ۱۳۷۲ | ۲۱۸۶ | ۱۷۹۹ | ۳۸۷ |
| ۱۳۷۳ | ۲۰۲۵ | ۱۶۶۲ | ۳۶۳ |

مأخذ: سازمان جنگل ها و مراتع کشور، دفتر طرح و برنامه و بودجه.

همان گونه که در جدول شماره ۲ دیده می شود جمع پروانه های قطع صادر شده در طرح های جنگلداری و خارج از طرح های جنگلداری به جز در سال ۱۳۷۱، روندی صعودی داشته است. در جدول شماره ۳ نیز مساحت جنگلداری و تولید نهال طی سال های برنامه اول ارائه شده است:

جدول شماره ۳- مساحت جنگلکاری و تولید نهال در کشور

(هکتار - هزار اصله)

| سال | جنگلکاری | | | تولید نهال | | |
|------|----------|-------|-------|------------|--------|-------|
| | جمع | دولتی | خصوصی | جمع | دولتی | خصوصی |
| ۱۳۵۵ | ۵۲۹۷ | ۵۲۹۷ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| ۱۳۶۰ | ۱۶۸۲ | ۱۶۸۲ | ۰ | ۱۲۰۰۰ | ۱۲۰۰۰ | ۰ |
| ۱۳۶۵ | ۱۸۴۳۵ | ۱۸۴۳۵ | ۰ | ۴۳۶۰۰ | ۴۳۶۰۰ | ۰ |
| ۱۳۶۹ | ۵۲۸۵۱ | ۳۰۹۶۸ | ۲۱۸۸۳ | ۸۵۰۰۰ | ۸۷۰۰۰ | ۲۰۰۰ |
| ۱۳۷۰ | ۹۰۲۵۳ | ۲۶۳۶۸ | ۵۳۸۸۵ | ۱۰۸۰۰۰ | ۱۱۰۰۰۰ | ۲۰۰۰ |
| ۱۳۷۱ | ۸۴۹۲۶ | ۳۷۴۶۱ | ۴۷۴۶۵ | ۱۰۲۷۴۸ | ۱۱۰۸۶۶ | ۸۱۱۸ |
| ۱۳۷۲ | ۷۷۳۷۰ | ۴۴۴۶۵ | ۳۲۹۰۵ | ۱۲۰۲۵۳ | ۱۲۴۹۳۶ | ۴۶۸۳ |
| ۱۳۷۳ | ۴۶۷۶۱ | ۲۳۵۹۵ | ۲۳۱۶۶ | ۱۱۱۶۷۱ | ۱۱۱۶۷۱ | ۰ |

مأخذ: سازمان جنگل ها و مراتع کشور، دفتر طرح و برنامه و بودجه.

همان گونه که در جدول شماره ۳ دیده می شود میزان تولید نهال در طی برنامه اول روندی صعودی داشته، اما میزان جنگل داری در ابتدا با افزایش چشم گیری روبه رو شده و سپس کاهش یافته است.

۲-۲- بهره برداری و نظام بهره برداری از جنگل در شمال ایران

کشور ایران با مساحتی قریب به ۱,۶۵۰,۰۰۰ کیلومتر مربع دارای اراضی به ترکیب زیر می باشد:

- مساحت مراتع خوب تافقیر برابر ۹۰ میلیون هکتار بوده که ۵۴/۵ درصد کل خاک کشور را تشکیل می دهد.

- مساحت صحاری و شنزارها ۳۴/۶ میلیون هکتار یا برابر ۱۴/۳ درصد سطح کل کشور می باشد.

- مساحت اراضی زراعی، اعم از آبی، دیمزارها و باغ ها ۲۳/۶ میلیون هکتار یا برابر ۱۴/۳ درصد سطح کل کشور می باشد.

- اراضی شهری، روستایی، رودخانه ها و آب های داخلی ۴/۴ میلیون هکتار یعنی ۲/۷ درصد سطح کل کشور می باشد.

- مساحت جنگل ها به طور اعم ۱۲/۴ میلیون هکتار و معادل ۷/۵ درصد سطح کل کشور می باشد.

جنگل های خزری یا «هیرکانی»، ۱/۹ میلیون هکتار از ۱۲/۴ میلیون هکتار اراضی جنگلی کشور را تشکیل داد. حدود یک سوم این عرصه نیز به دلیل دخالت های ناروا و سیاست های غلط گذشته به صورت مخروبه و غیر تجارتي درآمد است. این جنگل ها به صورت نوار باریکی در دامنه های شمالی رشته کوه های البرز، از سطح دریا تا ارتفاع ۲۴۰۰ متری می رویند. شرایط اقلیمی این منطقه برای رویش و رشد جنگل بسیار مساعد است. دوره رویش سالانه این جنگل ها از سطح دریا تا ارتفاع ۲۰۰۰ متری، بین ۱۶۰ تا ۳۰۰ روز می باشد و با کاهش میزان رطوبت منطقه از سمت غرب به طرف شرق، رشد سالانه جنگل کاهش می یابد.

ترکیب جنگل های خزری را بیشتر گونه های پهن برگ و کمی نیز گونه های سوزنی برگ تشکیل می دهد.

گونه‌های مهم پهن برگ عبارت‌اند از: راش، ممرز، افرا، توسکا، نارون، زبان گنجشک، انجیلی، خرمندی و آزاد. گونه‌های سوزنی برگ آن مشتمل بر زربین، ارس و سرخدار می‌باشد. ساختار جنگل‌های خزری از نظر ترکیب سنی بیشتر مسن بوده و توده‌های جنگلی جوان آن اندک می‌باشد.

مساحت جنگل‌های خزری در گذشته بالغ بر $3/4$ میلیون هکتار می‌شد که به علت بهره برداری‌های بی‌رویه، تبدیل جنگل‌های جلگه‌ای به اراضی کشاورزی و چرای دام به تدریج سطح آن کاهش یافته و امروزه به $1/9$ میلیون هکتار رسیده است که از این مقدار $1/3$ میلیون هکتار آن تجارتمی و $0/6$ میلیون هکتار آن مخروطی می‌باشد. در داخل این جنگل‌های مخروطی، خانوارهای زیادی به صورت مجتمع و یا پراکنده در آبادی‌های چند خانوار تا تک خانوار زندگی می‌کنند که یکی از عوامل عمده تخریب بوده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که قریب به $100,000$ خانوار با حدود $4/5$ میلیون واحد دامی در قالب $330,000$ واحد دامداری در این جنگل‌ها مستقر هستند که شغل اصلی و عمده آنها دامداری است. این افراد که طی سال‌های متمادی و نسل اندر نسل در جنگل‌ها زیسته‌اند، قهراً به آب و خاک آن یک نوع دل‌بستگی پیدا کرده‌اند. شیوه معیشت جنگل‌نشینان عمدتاً بر دامداری آزاد استوار است و همین شیوه بیشترین آسیب را به جنگل‌ها وارد آورد که اطلاعات زیر گویای این واقعیت تلخ می‌باشد:

۱- میزان مصرف هیزم واحدهای دامداری $2/8$ میلیون متر مکعب در سال است که این رقم در مقایسه با برداشت مجاز سالانه که 3 میلیون متر مکعب است رقم قابل توجهی می‌باشد.

۲- مصرف سالانه چوب برای ساختن اصطبل‌ها $85,000$ متر مکعب چوب صنعتی است.

۳- دامداران برای جابه‌جایی دام‌های خود در فصول مختلف سال، از دو یا سه «اطرافگاه» استفاده می‌کنند. تعداد این اطرافگاه‌ها به 28500 واحد می‌رسد که جهت ایجاد آنها حدود $60,000$ هکتار از جنگل‌های بهترین رویشگاه‌ها قطع یکسره شده است. به علت رشد بیش از حد جمعیت و عدم جذب آنها در زمینه‌های دیگر تولید و ملاً افزایش تعداد دامداری‌ها و دام منطقه، مستمراً به تعداد اطرافگاه‌ها و سطح آن افزوده شده و از سطح جنگل‌های تجارتمی کاسته می‌شود.

۴- مطالعات انجام شده در زمینه دامداری نشان می‌دهد که تعداد 33107 واحد دامداری سنتی با تعداد حدود $4/5$ میلیون واحد دامی در این جنگل‌ها وجود دارد که ضمن تغذیه علوفه کف جنگل، نونهال‌های درختان جنگلی را نیز که ضامن بقای جنگل می‌باشند، چرای می‌نمایند (البته برخی معتقدند که این کار به تنک کردن جنگل کمک می‌کند) و مزید بر آن سرشاخه‌های درختان به هنگام کمبود علوفه برای تغذیه و تعلیف دام‌ها توسط دامداران قطع می‌شود. ارزش اقتصادی نهال‌هایی که توسط دام‌ها تعلیف می‌شوند از بین می‌روند سالانه 120 میلیارد ریال است.

توجه به این نکته ضروری است که موجودیت جنگل‌های شمال تنها در اثر حضور این گروه‌ها به مخاطره نیفتاده است. وضعیت حاضر در اثر سیر تحول اجتماعی و اقتصادی دوران معاصر (حداقل 100 سال اخیر) به چنین بحرانی تبدیل شده است. این بحران ارتباط منطقی و اصولی میان جنبه‌های اکولوژی اجتماعی و اقتصادی این منبع را از هم گسیخته است. تعارضات نهان و آشکار سه جنبه اساسی جنگل‌ها از نظر اداره این منبع، ارتباط سطوح کلان و خرد مدیریتی را نیز به هم ریخته است.

جدول شماره ۴ فعالیت‌هایی که در مقاطع مختلف در زمینه جنگل‌ها صورت پذیرفته است را ارائه

می دهد:

جدول شماره ۴- فعالیت های انجام شده در زمینه جنگل ها، قبل و پس از انقلاب اسلامی

| نوع فعالیت زمان | جنگل داری (هکتار) | تولید نهال (میلیون اصله) | تجدید نظر و تهیه طرح های جنگل داری (هکتار) | احداث راه های جنگلی (کیلومتر) | بهره برداری از جنگل ها (مترمکعب) |
|----------------------------------|----------------------|-----------------------------|--|-------------------------------------|--|
| قبل از انقلاب تا پایان سال ۵۷ | ۴۲۷۰۷ | ۲۲۲/۹ | ۶۱۵۵۴۹ | ۱۸۴۹/۱۴ | ۱۱,۶۸۰,۰۰۰ |
| قبل از برنامه اول (۶۷-۵۸) | ۶۱۰۸۴/۸ | ۱۸۳/۲ | ۵۹۷۷۹۷ | ۱۵۹۴/۶۱ | ۱۱,۵۱۰,۰۰۰ |
| طی برنامه اول (۷۲-۶۸) | ۷۵۸۵۴ | ۲۸۶/۸۷ | ۳۶۶۵۵۷ | ۱۸۱۰/۶۸ | ۹,۰۲۰,۰۰۰ |
| جمع | ۱۷۹۶۴۵/۸ | ۶۹۲/۹۷ | ۱۵۷۹۹۰۳ | ۵۲۵۴/۴۳ | ۳۲,۲۱۰,۰۰۰ |

علاوه بر این، طی برنامه اول در زمینه سامان دهی خروج دام از جنگل، ۵۴۶۰۴۹ متر مربع محوطه سازی، ۴۶۸۶۶ متر مربع احداث ساختمان و ۱۲۷۰ هکتار علوفه کاری صورت پذیرفته است. در برنامه دوم توسعه نیز اهداف زیر برای جنگل های شمال پیش بینی شده است:

تهیه و تجدید نظر طرح های جنگل داری و پرورش جنگل ۵۶۵,۰۰۰ هکتار، جنگل داری و احیای ۱۹۸,۳۴۲ هکتار، سامان دهی خروج دام از جنگل ۱,۵۳۹,۰۰۰ واحد دامی، تکمیل واحداث راه ۱۷۸۵ کیلومتر و بهره برداری از جنگل ۱,۲۵۰,۰۰۰ متر مکعب.

بر اساس آمار طرح جامع مقدماتی جنگل های شمال در ۱۰۳ حوزه برآورد موجودی جنگل های تجاری (۱/۳ میلیون هکتار)، میزان کل موجودی بالغ بر ۴۰۵ میلیون متر مکعب می شود. از سطح جنگل های تجاری تاکنون برای حدود ۱/۱ میلیون هکتار آن طرح جنگل داری تهیه شده است.

۲-۳- بهره برداری از جنگل

بهره برداری از جنگل با قطع درخت شروع و با جمع آوری آن در کنار جاده های جنگلی و حمل آن به کارخانه های صنایع چوب و مراکز مصرف خاتمه می یابد.

از ۱/۱ میلیون هکتار، طرح جنگل داری تهیه شده است و از این مساحت مجوز بهره برداری حدود ۹۰۰ هزار هکتار صادر شده است. میزان بهره برداری سالانه از طرح های در دست اجرا حدود ۲ میلیون متر مکعب می باشد که قسمت اعظم آن پس از نشانه گذاری و قطع به کمک ماشین آلات بهره برداری به طریق مکانیزه و به صورت تنه و بقیه نیز به صورت سنتی پس از تبدیل در عرصه، از جنگل خارج می شود. این میزان برداشت در صورت بهره گیری از تمامی پتانسیل های تولید جنگل و ایجاد امکانات لازم می تواند به ۴ تا ۵ میلیون متر مکعب افزایش و صنایع متناسب با آن نیز در کشور توسعه یابد.

در مورد طرح های جنگلداری که به روش سنتی در دست بهره برداری می باشند ذکر این نکته ضروری

است که عملیات تبدیل چوب در جنگل به وسیلهٔ اره‌های موتوری، توأم بافت و ضایعات زیاد (بیش از ۵۰ درصد) بوده است و مواد اولیه‌ای که در صورت احداث جاده و بهره برداری به طور مکانیزه می‌تواند در اختیار کارخانه‌های صنایع چوب و کاغذ قرار داده شود، به علت اقتصادی نبودن خروج این ضایعات و چوب‌های غیر صنعتی از جنگل، در عرصه باقی مانده و بعضاً تبدیل به زغال می‌شوند. این طریقه موجب از دست رفتن مقدار قابل ملاحظه‌ای از مواد اولیه مورد نیاز صنایع کشور شده و علاوه بر این امر تجدید حیات جنگل را با اشکال مواجه می‌نماید و باید حتی الامکان با گسترش شبکه راه‌های جنگلی و بهره‌برداری مکانیزه از ادامه آن جلوگیری شود. بهره برداری از جنگل‌های شمال از نظر تشکیلات اجرایی تحت سه شیوه مدیریت اداره می‌شود:

- ۱- شرکت‌های دولتی با سرمایه‌گذاری دولت و در چارچوب نظامنامه شرکت‌های دولتی؛
- ۲- شرکت‌های خصوصی با سرمایه‌گذاری و مدیریت بخش خصوصی و با هدف جذب سرمایه‌های این بخش در امور جنگل؛
- ۳- شرکت‌های تعاونی که هدف از ایجاد آنها پیش از بهره‌برداری، کمک به حفظ و حراست جنگل و احیای جنگل‌کاری عرصه‌های جنگلی مخروبه بوده است. سهم این بخش در بهره‌برداری از جنگل‌های شمال بالغ بر ۱۴ درصد می‌شود.

فصل سوم: مشکلات و تخلف‌های موجود در بهره‌برداری از جنگل‌ها

۱- جنگل‌های شمال عمدتاً پوشیده از درختان پهن برگ بوده و این درختان، خاص این منطقه آب و هوایی می‌باشند. درختان پهن برگ در جلوگیری از شدت ضربات باران و فرسایش خاک و شدت تبخیر آب مؤثر بوده و به دلیل داشتن ریشه‌های عمیق در امر آب‌خیزداری و حفظ سفره‌های زیرزمینی آب نقش بسزایی داشته و علاوه بر آن در مقابل طوفان و بادهای شدید مقاوم می‌باشند. متأسفانه مجریان طرح‌های واگذار شده به جای درختان پهن برگ قطع شده درختان سوزنی برگ غرس نموده که این درختان مشکلات خاص خود را به دنبال دارند که عبارت‌اند از:

- به دلیل داشتن ریشه نازک و سطحی در مقابل طوفان و باد شدید مقاوم نیستند.
- در مقابل آتش سوزی مقاوم نیستند و در این نوع جنگل‌ها حریق به سرعت گسترش می‌یابد.
- به علت عدم جلوگیری از شدت ضربات باران، فرسایش خاک رابه دنبال دارند.
- در مقابل آفت مقاوم نبوده و آفت زاهستند. (کشور آلمان در این مورد تجربه تلخی داشته است).
- این درختان از رشد ضعیفی برخوردار بوده و مقدار چوب دهی آنها کم است.
- با توجه به این که هنوز فکر جدی برای ساکنان حاشیه جنگل هان شده است اکثر دامداران به سبب آن که از برگ این نوع درختان نمی‌توان برای علوفه احشام استفاده کرد، با کمبود علوفه برای دام‌هایشان مواجه هستند.

۲- در طرح‌های واگذار شده، نظارت بر امر استحصال و نحوه بهره‌برداری توسط ناظران صورت می‌پذیرد. معمولاً (بسته به بزرگی طرح‌ها) هر چند طرح، یک ناظر داشته و در فاصله سرکشی سایر طرح‌ها توسط

ناظر، درختان حفاظتی (غیر صنعتی) نیز قطع می‌شوند. از سوی دیگر، طی مدت نظارت، فوق العاده شغل ناظر و برخی هزینه‌های دیگر توسط مجری طرح پرداخت شده و این امر خود موجبات چشم پوشی ناظران را از برخی از تخلفات صورت پذیرفته توسط مجریان فراهم می‌سازد و در مواردی قطع یکسره درختان رانیز به دنبال داشته است.

۳- مشکلاتی که در بخش نظارت مطرح شد، قطع یکسره درختان جنگلی رادربی داشته و این خود موجبات طمع حاشیه نشینان را فراهم آورده و تصرف زمین‌های جنگلی را به همراه داشته است.

۴- بررسی‌ها نشان می‌دهد که هنوز در امر احیای جنگل‌ها و جلوگیری از تخریب بی‌رویه آنها، به فرهنگ جنگل نشینان و مشارکت آنها در این امر توجه کافی نشده و مسائل و مشکلات آنها در نظر گرفته نشده است. در این که حضور دام در سطح جنگل مسائل و مشکلات خاص خود را به دنبال دارد بحثی نیست ولی اجرای سیاست اسکان دام بدون این که فکری برای تامین جا و علوفه آن بشود در واقع ایجاد معضل دیگری است و ضمن از بین بردن انگیزه هر نوع همکاری از سوی حاشیه نشینان، به دلیل مشکلات امر حفاظت و حراست از جنگل‌ها (که مشکل از قبل تجربه شده است) موجب ادامه روند تخریب خواهد شد.

۵- میزان عملیات سالانه جنگل کاری، احیای مراتع و تثبیت شن‌های روان در لایحه برنامه دوم به طور متوسط سالانه به ترتیب معادل ۲۲/۲ درصد، ۴۰ درصد و ۳۵/۲ درصد میزان متوسط تخریب سالانه این منابع پیش‌بینی شده و حجم عملیات آبخیزداری در مقایسه با حجم کل کار هم که افزون بر ۵۶ میلیون هکتار از عرصه جنگل‌ها و مراتع در مناطق شیب‌دار و کوهستانی کشور است تنها ۵/۹ درصد پیش‌بینی شده که با توجه به وسعت آبخیز سدهای کشور که بیش از ۳۰ میلیون هکتار می‌باشد و حداقل ۸ - ۱۰ میلیون هکتار آن با فرسایش بسیار سنگین مواجه است، بسیار ناچیز بوده و با هیچ منطقی سازگار نمی‌باشد.

۶- منابع موجود در ارتباط با بحث نظام‌های بهره‌برداری در بخش کشاورزی - اعم از زراعت، جنگل، و... - تشخیص نظام یا نظام‌های بهینه از نارسایی‌های عدیده‌ای رنج می‌برد که می‌توان به برخی از آنها به شرح زیر اشاره نمود:

الف - تنوع و تعارض تعاریف نظام بهره‌برداری و ناهماهنگی در بحث پیرامون عناصر یا اجزای متشکله آنها با فقدان تعریفی جامع از نظام‌های بهره‌برداری و عدم هماهنگی در انتخاب عناصر یا اجزای متشکله این نظام‌ها همراه است، به طوری که معیار طبقه‌بندی نظام‌ها و در نتیجه ویژگی‌های اصلی هر نظام از نظام‌های دیگر و انواع اصیل از گونه‌های ترکیبی مشخص نشده است.

ب - معیارهای مورد توجه در انتخاب نظام یا نظام‌های بهینه، آن طوری که باید مشخص نشده‌اند. در نتیجه هر کس با معیارهای خاصی یک نظام را بهینه یا مطلوب تلقی می‌کند، بدون آن که عملکرد آن را با روش علمی در مقایسه با عملکرد بقیه نظام‌ها، مورد ارزشیابی قرار داده باشد. اغلب مطالعات به عمل آمده، موردی و محدود به یک یا دو نظام، آن هم در یک منطقه خاص هستند و مطالعه‌ای جامع و تطبیقی که با توجه به معیارهای قابل قبول، همه نظام‌ها را در مقایسه با هم مورد ارزشیابی صحیح و علمی قرار دهد وجود ندارد.

ج - توصیفی بودن مطالعات و ضعف مبانی تئوریک منابع به گونه‌ای است که نمی‌توان عللی درونی

و برونی، ضعف یا قوت عملکرد هر نظام را نسبت به نظام دیگر مشخص نمود.

د- کاربردی نبودن نتایج؛ بدین معنا که به دلیل موردی و توصیفی بودن مطالعات، استفاده از نتایج آنها بسیار مشکل و تقریباً غیر ممکن است. با توجه به عدم ارزشیابی علمی و عدم تحلیل نظام‌ها، پیشنهادهای ارائه شده بیش از آن که مبتنی بر یافته‌های علمی باشد، نتیجه برداشت‌های ذهنی و نقطه نظرهای شخصی افرادند.

از این رو، بر اساس مطالعات موجود نمی‌توان شناخت علمی دقیقی از نظام‌های بهره‌برداری موجود یا انواع بهینه آنها پیدا کرد.

۷- عملیات تبدیل چوب در جنگل به وسیلهٔ آره‌های موتوری، توأم با افت و ضایعات زیاد (بیش از ۵۰ درصد) بوده و مواد اولیه‌ای که در صورت احداث جاده و بهره‌برداری به طور مکانیزه می‌تواند در اختیار کارخانه‌های صنایع چوب و کاغذ قرار داده شود، به علت اقتصادی نبودن خروج این ضایعات و چوب‌های غیر صنعتی از جنگل، در عرصه باقی مانده و بعضاً تبدیل به زغال می‌شوند. این طریقه موجب از دست رفتن مقدار قابل ملاحظه‌ای از مواد اولیه مورد نیاز صنایع کشور شده و علاوه بر این امر تجدید حیات جنگل را با اشکال مواجه می‌نماید.

۸- مطابق قانون، واگذاری طرح‌های استحصال و بهره‌برداری از جنگل‌ها باید از طریق مزایده صورت پذیرد. یکی از مشکلات عمده در امر واگذاری، جایگزین شدن روابط به جای ضوابط و در برخی موارد بذل و بخشش‌های بی‌حد و حصر منابع طبیعی می‌باشد. به عنوان نمونه به چند مورد آن اشاره می‌شود، که مدارک مربوطه نیز ضمیمه شده است:

الف- واگذاری ۲۲،۹۴۶ هکتار از اراضی منابع ملی منطقه گرگان و گنبد به جهادسازندگی منطقه، که به دستور مستقیم وزیر جهادسازندگی صورت پذیرفته است و طبق تحقیقات به عمل آمده یکی از بهترین نواحی جنگلی منطقه بوده که تخریب شده و برای ساخت مسکن استفاده شده است.

ب- واگذاری طرح جنگل‌داری «لوه» و تجدید قرارداد سی ساله دوم آن به سبب صلاحیت فنی و مالی مجری که حوزه علمیه امام خمینی گرگان می‌باشد، بدون انجام مزایده صورت پذیرفته است. ضمناً حسب درخواست مجری، بنابه دستور مقام وزارت ضریب بهره مالکانه ۲۸ درصد منظور شده است.

ج- درخواست واگذاری طرح جنگل‌داری کوه‌همیان از سوی آستان مقدس حضرت امام (ره)، و مستغلات گرگان که طی نامه‌ای از معاونت محترم وزیر جهادسازندگی آقای مهندس ربیع فلاح خواسته شده و بادستور مساعد ایشان مواجه شده است. شایان ذکر است که این واحد طی نامه‌ای دیگر که مستقیماً به مقام محترم وزارت جهادنوشته است، درخواست واگذاری طرح‌های جنگل‌داری قلعه ماران را بدون انجام مزایده نموده است.

د- واگذاری حدود ۲ هکتار از بهترین مناطق جنگلی منطقه گرگان به قضات دادگستری شهرستان گرگان که به دستور ریاست سازمان جنگل‌ها و مراتع صورت پذیرفته است و از آنجا که ذکر از مبلغ ارزش زمین و واگذاری شده به عمل نیامده است، چنین استنباط می‌شود که این زمین به طور رایگان بذل و بخشش شده است. نحوه تصرف قطعه زمین مذکور، تبعاتی را به دنبال داشت که در مدارک ضمیمه موجود است.

۹- تجربه کشورهای چون اتحاد جماهیر شوروی سابق که به رغم رشد جهانی تولید چوب (به ویژه کشورهای توسعه یافته)، بین سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۷۰ تولید خود را کاهش داده است، نشان دهنده آن است که در این کشورها معیار تولید بیش از این که مرهون تقاضا باشد، مدیون هدف‌های اقتصادی از پیش تعیین شده است و غالباً با فاصله زمانی زیاد مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد.

۱۰- ضمن توجه به گسترش شبکه راه‌های جنگلی، باید شبکه‌ی راهی که کمترین هزینه را برای عملیات جمع‌آوری چوب آلات، بارگیری، حمل، احداث راه و نگهداری آن در هر متر مکعب چوب، در بر داشته باشد، به عنوان مطلوب‌ترین شبکه راه احداث شود. این امر موجب کاهش هزینه‌های جمع‌آوری چوب آلات، احداث راه، نگهداری آن و حمل و نقل می‌گردد.

فصل چهارم: رهیافت

در جهت تحقق اهداف حفاظت، احیا و بهره‌برداری از جنگل‌ها فراهم نمودن زمینه حرکت‌های اساسی در ابعاد زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- استمرار نظام و تشکیلات مناسب برای حفاظت از جنگل‌ها با فراهم نمودن زمینه‌های حقوقی لازم و جلب همکاری ارگان‌های ذی‌ربط ضروری است.
- ۲- احیای عرصه‌های جنگلی منخروبه، فضاها و باز جنگلی و ارضی بدون استفاده، به منظور بهره‌گیری از تمامی پتانسیل‌ها باید در اولویت قرار گیرد.
- ۳- اجرای صحیح طرح‌های جنگل‌داری از دیدگاه علوم جنگل‌داری، و بهره‌برداری با اعمال نظارت اصولی، و فراهم نمودن زمینه لازم برای بهره‌گیری بهینه از پتانسیل‌های تولیدی نوار جنگلی شمال باید به عنوان یکی از عوامل جلوگیری از روند رو به رشد تخریب در جنگل‌های این منطقه مورد توجه قرار گیرد.
- ۴- انجام مطالعه علمی جامع و تطبیقی که بر اساس آن بتوان ماهیت و ویژگی‌های انواع نظام‌های بهره‌برداری و نوع یا انواع بهینه آنها را در منطقه و در مقایسه با هم مشخص ساخت، ضروری است.
- ۵- به منظور کاهش ضایعات، حفظ کیفیت و این که چوب به قیمت ارزان در اختیار بخش صنعت و مصرف کنندگان قرار گیرد، نه تنها باید از تکنولوژی‌های مناسب استفاده کرد، بلکه باید استفاده صحیح و مطلوب از این تکنولوژی‌ها صورت پذیرد. تحقق این امر موکول به برنامه‌ریزی اصولی، انتخاب ماشین‌آلات و تجهیزات مناسب، به کارگیری کارگران، آموزش مستمر نیروی کار و اقتصادی نمودن فعالیت‌ها می‌باشد.
- ۶- به منظور جلوگیری از افت و ضایعات زیاد چوب در بهره‌برداری به روش سنتی، باید شبکه راه‌های جنگلی را گسترش داد و با بهره‌برداری مکانیزه از ادامه آن جلوگیری کرد.
- ۷- حل مشکل اجتماعی - اقتصادی منطقه در ارتباط با خروج کامل دام از جنگل پیشنهاد می‌شود.
- ۸- بدون توجه به فرهنگ جنگل‌نشینان و عدم مشارکت آنها، حفاظت و بازسازی جنگل‌ها امکان‌پذیر نمی‌شود، که شکست‌های قبلی طی سال‌های متمادی، گواه این مدعاست و از این رو، لازم است نوع مشارکت با توجه به فرهنگ مردم منطقه بررسی شود.

- ۹- باید به دو عامل آموزش های ترویجی در زمینه بازسازی و احیای جنگل و اشتغال جنگل نشینان در راستای دستیابی به درآمد مکفی، به عنوان عوامل اصلی در گرایش جنگل نشینان به بازسازی و احیای جنگل ها، توجه بیشتری نمود.
- ۱۰- با توجه به این که حجم بالایی از چوب تولیدی در کشور به مصارف سوختی اختصاص می یابد، جایگزینی انرژی های دیگر به جای چوب های سوختی ضروری است.
- ۱۱- ضمن نظارت و بازرسی دقیق بر امر واگذاری جنگل ها باید با بررسی های کارشناسانه راه های سو استفاده و تخلف در امر بهره برداری از جنگل ها را بست.

منابع و مأخذ

- ۱- درباره جنگل ها و مراتع در برنامه دوم، مرکز پژوهش های مجلس، گروه تحقیق.
- ۲- قوبدل، محمد علی. «تولید چوب گرد جهان در سال ۱۹۸۹ و پیش بینی روند تولید آن تا سال ۲۰۱۰»، جنگل و مرتع، ش ۲۷.
- ۳- محمودی، بدیع الله. «جنگل و نظام های بهره برداری از جنگل در شمال ایران»، جنگل و مرتع، ش ۲۵.
- ۴- «سمپوزیوم مسائل اجتماعی جنگل نشینی در ایران»، جنگل و مرتع، ش ۲۷.